

امتحانات پایان سال - خرداد ۱۳۹۳

پاسخنامه مدارس شهرستان

پایه :	۳	موضوع :	بلاغت
تاریخ :	۹۳/۰۳/۲۰	ساعت :	۸

نام کتاب: جواهر البلاغه (مبحث فی الایجاز و الاضناج و المساواة تا پایان کتاب)

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. آیه شریفه «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» از مصادیق است. ۱۵۱
- ا. ایجاز القصر ب. ایجاز الحذف ج. تطویل د. مساوات
- * کَانَ قَلُوبَ الطَّيْرِ رَطْبًا وَ يَابَسًا / لَدَى وَ كَرَهَا الْعَنَابُ وَ الْحَشْفُ الْبَالِي.
۲. تشبیه به کار رفته در بیت فوق، مصداق کدام گزینه است؟ ۱۸۱
- ا. تشبیه مفروق ب. تشبیه ملفوف ج. تشبیه تسویه د. تشبیه جمع
- ﴿وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَّمْنَاهَا بِعَشْرِ...﴾
۳. در آیه شریفه حذف چه چیزی موجب ایجاز شده است؟ ۱۵۳
- ا. موصوف ب. مضاف الیه ج. مضاف د. صفت
۴. إذا ذكر في الكلام لفظ المشبه به فقط و أريد به المشبه فالاستعارة ۲۲۰
- ا. مكنية ب. مصرحة ج. تحقيقية د. أصلية

تشریحی

۱. تشبیه مقلوب به کار رفته در آیه شریفه «... إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا...» را توضیح دهید.

تحكى هذه الآية عن الكفار حيث انهم ادعوا ان الربا مثل البيع، عكسوا ذلك لإدعاء ان الربا عندهم أحل من البيع لأن الغرض الربح و هو أثبت وجوداً في الربا منه في البيع فيكون أحق بالحل عندهم.

۲. علاقه مجاز مرسل در هریک از موارد زیر را معین کنید.

- ﴿... يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ...﴾ : **محلّیت**
- ﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ : **آلیت**
- ﴿... يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ...﴾ : **کلّیت**
- ﴿لَيْسَ لَوْعَتِهَا كاذِبَةٌ﴾ : **تعلق اشتقاقی.**

* التوجيه هو أن يؤتى بكلام يحتمل معنيين متضادين على السواء.

۳. ا. «توجيه» را تعريف کنید. ب. يك فرق از فرق های «توجيه» و «توريه» را بيان کنید.

تعريف: متكلم كلامی را بگوید که محتمل دو معنای متضاد است و احتمال هیچ کدام از دو معنای مزبور بر احتمال دیگری رجحان ندارد.

فرق ها: ا. التورية تكون في لفظ واحد وأما التوجيه فيكون في تركيب أو جملة أسماء متلائمة.

ب. التورية يقصد المتكلم بها معنى واحداً هو البعيد والنوع الأول من التوجيه لا يترجح فيه أحد المعنيين على الآخر.

ج. لفظ التورية له معنيان بأصل الوضع الفاظ النوع الثاني من التوجيه ليس لها إلا معنى واحد بأصل الوضع ويكون هو المقصود من الكلام.

۴. استخدام به کار رفته در آیه کریمه «... فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ...» و بیت «إِذَا نَزَلَ السَّمَاءُ بِأَرْضِ قَوْمٍ / رَعِينَاهُ وَ إِنْ كَانُوا غَضَابًا» را توضیح دهید.

أريد أولاً بالشهر الهلال ثم اعيد عليه الضمير أخيراً بمعنى أيام رمضان و في الشعر: أريد بالسما المطر و بضميره في رعيناه النبات.

* الأسلوب الحكيم هو تلقى المخاطب بغير ما يترقبه.

۵. جریان «الاسلوب الحكيم» در آیه شریفه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْهَلَلَةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ...» را توضیح دهید.

توضیح: اصحاب پیامبر ص در نزد حضرتش در مورد حقیقت اهله سؤال کردند که چه چیزی باعث تطورات هلال می شود؟ و از آنجا که این سؤال از دقت برخوردار بود از طرفی برای عموم نفعی نداشت خداوند به پیامبر می فرماید تو آثار فردی و اجتماعی هلالها را بر ایشان بازگو کن و این نوعی تخطئه سائل است.

* من علاقات المجاز المرسل «المكانية» نحو: «... وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ...».

۶. «علاقة مكانية» را تعریف کرده بر آیه مذکور تطبیق نمایید.

وقتی که به جای ذکر اسم یک چیز اسم مکان آن بالمجاز ذکر شود علاقه مجاز مکانی خواهد بود و در آیه به جای آنکه خود جاری که آب است را یاد کند، مکان جریان را ذکر نموده که نهر باشد.

* الإستعارة الوفاقية هي التي يمكن اجتماع طرفيها في شيء واحد لعدم التنافي و الاستعارة العنادية بخلافها. و مثالها قوله تعالى: نحو: «أَوْ مَن كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ...» أي ضالاً فهديناه ففي هذه الآية استعارتان.

۷. «استعارة وفاقية» را توضیح داده، دو استعارة موجود در آیه را تبیین نمایید.

استعارة وفاقية آن استعاره ای است که اجتماع دو طرف آن در شيء واحد امکان دارد زیرا با هم تنافی ندارد. در آیه، استعاره اول کلمة ميتاً است که استعارة عنادية از انسان گمراه است و استعارة دوم احييناه است که استعارة وفاقية از هدايت کردن است.

* المشاكلة هي أن يذكر الشيء بلفظ غيره لوقوعه في صحبته نحو: «... نُسِوا لِلَّهِ فَنَسِيَهُمْ...»

۸. ضمن تعريف «مشاكلة»، آن را بر آیه شریفه تطبیق نمایید.

وقتی دو معنا در کنار یکدیگر ذکر شوند بخاطر هم جواری، لفظ یکی برای دیگری هم ذکر می شود و در آیه نیز «نسيهم» به معنای «اهمال» بود ولی بخاطر قرار گرفتن در کنار «نسوا» با یک لفظ از هر دو تعبیر شده است.

* من أغراض التعبير عن المضارع بلفظ الماضي، التنبيه على تحقق الوقوع نحو: «أَتَى أَمْرًا لَللَّهِ فَلَا تَسْتَجْلُوهُ...»

۹. غرض مذکور را توضیح داده، بر آیه تطبیق نمایید.

گاهی به غرض رساندن حتمی الوقوع بودن از معنای مضارع با لفظ ماضی تعبیر می شود؛ و در آیه برای تعبیر از حتمی بودن قیامت بجای «يأتي» از «أتى» استفاده شده است.